

و جانیشینی پیامبران را پیدا نموده اند؛ زیرا انبیا از خود درهم و دیناری باقی نگذاشته، درهای علوم و دانش خود را بروی مردم گشوده، هر کس بیشتر توانست از آن علوم بهره مند گردد بهره او بیشتر خواهد بود.

و بیس قرآن کریم هدف اصلی از بعثت انبیا دعوت مردم بسوی خدا بوده است چنانچه خداوند میفرماید: «ای پیغمبر ما ترا فرستادم تا چراغ فروزان و گواه بشارت دهی، و ترساننده باشی و مردم را بسوی خدا دعوت نمائی» (سوره احزاب - آیه ۳۶) و همچنین از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که علت بعثت خود را برای تکمیل اخلاق بشر دانسته است، پس در حقیقت دانشمندان منصب پیامبران را دارند.

اگر نظری ببقای روایاتی که در این باره وارد شده است بیاندازیم بطور مسلم برای ما روشن خواهد شد که هیچ مقامی نمیتواند برابری با این مقام را بنماید. چنانچه پیغمبر اکرم (ص) به علی (ع) در آن هنگام که میخواست او را عسکریین نمایند فرمود: «سوگند بخدا اگر یک نفر بیست توجه داشت کرده پاداشی بیشتر از تمام موجوداتی است که در این عالم سبحانه تا بنام خود رشید بر آنها میآید».

و همچنین امام باقر (ع) میفرماید: دانشمندی که از علم و دانش آنها دیگران بهره مند شوند از افتخار هر از عابد بالاتر هستند.

با توجه باین بیاناتی که از پیغمبر و انبیا بزرگ اسلام به ما رسیده روشن میشود که کمتر کسی است که بتواند عظمت عالم را دانسته باشد.

وظیفه دانشمندان چیست؟

گرچه اسلام طیفه خاصی را بنام مبلغ و گوینده معرفی ننموده است؛ بلکه بان دسته از دانشمندان بدین احترام تکریم شده که به علم خود عمل کرده، و دیگران را بسوی حق دعوت مینمایند چنانچه علی (ع) میفرماید: برقراری دین چهار رکن است یکی بمالم عامل ناطق

پیغمبر اکرم میفرماید در آن هنگام که بدعتی گذاشته شود وظیفه دانشمندان است که علم خود را آشکار سازند و مردم حقایق و معارف الهی را بگویند و با بدعتها و حرافات مبارزه کنند و اگر در این وظیفه کوتاهی نمایند لعنت خدا بر آنها باد (۱۱)

(۱) قال رسول الله (ص) اذا ظهر البدع فی امتی فلیظنر العالم علمه فمن لم یفعل فلیله لئنه الله.

کافی ج ۱

مدی - حائری
«تکرار»

وظیفه دانشمندان و گویندگان

برتری دانشمندان در اجتماع

شخصیت دانشمندان در نظر اسلام

وظیفه دانشمندان چیست؟

وظیفه گویندگان

برتری دانشمندان در اجتماع

اگر جامعه را بمنزله بدنی فرض کرده و بر این اساس و جوارح آن بنسبیت نشی فعالیت و اهمیت هر عضو سمنی قائل شویم؛ همانطور که علماء علم الاجتماع تشبیه کردند؛ باید بگوئیم دانشمندی که رهبری هدایت افکار جامعه را عهده دارند بمنزله مغز متفکر آن جامعه شناخته می شوند.

زیرا همانطور که عقل فطری، آدمی را بسوی کمال و سعادت دعوت میکند دانشمندان روشن ضمیر هم کار عقل را سوده با منطبق عقل و دین آنها را بسوی سعادت واقعی رهبری مینمایند. با توجه باین حقیقت برتری تمام دانشمندان بر دیگر طبقات روشن میشود، و لزوم آنستکه میزان میزان که فضیلت و شخصیت عالم از همه برتر است، مسئولیت او نیز از همه بیشتر خواهد بود.

زیرا همانطور که جامعه با راهنمایی و ارشاد آنان را در کمال خود را پیوسته بر اثر اعمال و سهل انگاری آنها راه ضلالت و گمراهی را می پیماید. از این جهت است که در روایات پروردگرمین عامل ترقی و بدبختی جامعه را دانشمندان آن جامعه دانسته و پیامبر اسلام میفرماید: اگر عالمی فاسد شود جهانی را تباه و فاسد میگرداند.

شخصیت دانشمندان از نظر اسلام.

رتبه و مقام دانشمندان دین، بدرجهای رسیده که بگفته امام صادق (ع) منسب و روات

بنابراین بر هر دانشمندی لازم است گذشته از آنکه خود را تهذیب نموده دست دیگران را هم گرفته و بشاعران سعادت بکفایت همانطور که رسول خدا میفرماید «من تبهیب من هم تبهیب» و بدنیال بیماران رفته ، و در هر کجا مریض یا هم یا دستورهایی شفابخش خود مداوایش کنم . پیشوایان دین ما بخصوص در این عصر باید با سعی و کوشش فراوان خود را در مسکنی را بیدار کرده و حقایق و دستورات اسلامی که ضامن سعادت آنهاست آشنا سازند .

چند ضروری است هر چه در دین داشتند در روزی در هر تشریح که هستند در آن هست بکنم زده باج و حیدر فراوان این جامعه عشق الهاده زار شهری شونده و عظمت و عزت از دست داده را بازگرداند .

البته باید در صف اول این نبض مقدس بنالودا دشتندان حوزه های علمیه قرار گیری تا سرمشق برای دیگران باشد و بتدریج افکار مردم را بیدار کرده و سطح فکر آنها را بالا ببرد تا برای شنیدن حقایق و معارف اسلامی آماده باشند و دیگر زمینه برای افراد باصلاح بسازد .

وظیفه گویندگان

برای آنکه سخن گوینده با فایده و ثمر واقع شود و شنونده را قانع نماید لازم است شرایطی در دگر گوینده داشته شود ، و در سخن جمع کرده ؛ در ابتدا شرایط گویندگان را فهرست واریان میکنیم و شرح آنرا بوقت دیگر میگوئیم .

۱- صدق حدیث : گوینده باید راستگو و امین باشد و همیشه واقع را در نظر داشته از سخن گزاف و خلاف واقع شدیداً بپرهیزد و از کجی نماید .

۲- خلوص نیت : باید نیت او پاک باشد و برای خدا سخن بگوید و بطمع مال یا تحمیل آبرو و شخصیت برای خود یا دیگران ؛ سخن نگوید و آنچه را بخیر و صلاح و سعادت مردم است بگوید .

۳- حسن خلق : با مردم بخوش زبانی و مهربانی و نیک خوئی سخن گوید و از تشدد خوئی و خشونت و بدگویی بپرهیزد ؛ تواضع و فروتنی را شعار خود سازد و از کبر ، غرور ، خود پسنندی بپرهیزد باشد .

۴- عامل بودن : آنچه را بر مردم میگوید خود بیان ایسان داشته و عمل کند .

۵- بردباری : در راه حق استقامت بخرج دهد و از تمام امکانات برای هدایت و ارشاد مردم استفاده کند و هرگز از سردی و افطاری بی علائقی شونده دلسرد و مأیوس نشود .